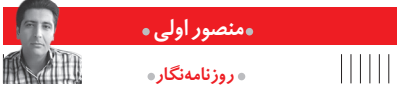


تلاش مجلس برای اصلاح قوانین در راستای توسعه متوازن

منصور مرادی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، با بیان اینکه یکی از مهم‌ترین نیازهای امروز کشور، تشویق و ترغیب سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر برخوردار کشور است، گفت: «نمایندگان مجلس تلاش خواهند کرد قوانین کشور از جمله قانون بودجه سال آینده را در راستای تحقق توسعه متوازن در کشور اصلاح کنند.» وی افزود: «قوانین و تسهیلات، باید به گونه‌ای اصلاح و تدوین شود که سرمایه‌گذاران را تشویق به سرمایه‌گذاری در مناطق محروم کند. نمی‌توان سرمایه‌گذاران را مجبور به این کار کرد، اما قوانین کشور باید به گونه‌ای تدوین و اصلاح شود که تسهیلات مناسب برای حضور سرمایه‌گذاران در مناطق محروم درنظر گرفته شود.»

یکشنبه ۱۰ دی ۱۳۹۶ ● شماره صد و سی و پنج

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰



به باور بسیاری از کارشناسان و فعالان اقتصادی، پراکندگی جغرافیایی بنگاه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی، یکی از شاخص‌های مهمی است که در جهت‌گیری توسعه متوازن باید به صورت جدی مورد توجه قرار بگیرد. به باور عموم کارشناسان اقتصادی، یکی از راهکارهای مهم برای توسعه متوازن فعالیت‌های صنعتی در کشور، شناسایی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های هر منطقه و جهت‌دهی فعالیت‌های اقتصادی بر مبنای این ظرفیت‌هاست. به گفته کارشناسان اقتصادی، جغرافیای اقتصادی از دو منظر برون‌زا و درون‌زا بودن، باید مطالعه شود. در مطالعه برون‌زایی، نظریه‌های مکان‌یابی به دو شاخه نظریه حداقل هزینه با محوریت بخش عرضه و نظریه رقابت فضایی – که بر بخش تقاضای اقتصاد تاکید دارد – تقسیم می‌شود و به نظر می‌رسد برای حرکت منسجم در این حوزه باید این دو مقوله را به صورت جدی مورد توجه قرار داد.

غلامرضا کیامهر، کارشناس اقتصادی در این باره به آتی‌ه‌نو می‌گوید: «بر اساس تحقیقات انجام شده، استفاده از نظریه‌های حداقل هزینه و رقابت فضایی و نظریات مشابه باید بر مبنای یک جهت‌گیری کلی اقتصادی و یک عزم جزم برای حرکت به سمت توسعه متوازن باشد.» وی با بیان اینکه براساس یکی از این نظریات، تمامی تقاضای موجود در اقتصاد، در یک مکان مشخص شکل می‌گیرد که می‌تواند یک شهر معدنی باشد که تقاضای تولیدات کشاورزی دارد یا یک منطقه تجاری که انواع مبادله در آن انجام می‌گیرد، می‌گوید: «برای به‌کارگیری این نظریات در حوزه‌توزیع جغرافیایی بنگاه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی، باید توسعه صنعتی کشور، به سمت استفاده از داده‌های آماری متمایل شود.» به باور او، در حال حاضر در ایجاد بنگاه‌های اقتصادی در کشور، این نوع جهت‌گیری وجود ندارد؛ چراکه در کل مدل توسعه صنعتی و اقتصادی کشورمان، چنین نگاهی وجود نداشته و به همین دلیل، مثلاً شاهد احداث کارخانه‌های بزرگ آب بر در مناطق هستتیم که خشک هستند و به شدت در مضیقه منابع آبی هستند.

به باور عموم کارشناسان، چنین خطاهایی در شکل‌گیری بنگاه‌های اقتصادی و نوع فعالیت‌ها در جغرافیای اقتصادی و صنعتی کشورمان به وفور دیده می‌شود؛ چراکه ظرفیت‌های اقتصادی، قبل از تاسیس بنگاه، شناسایی نشده است.

محسن بیگلری، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، در این باره به آتی‌ه‌نو می‌گوید: «اینکه برخی صنایع یا کارگاه‌ها در نقاطی از کشور شکل گرفته‌اند که چندان تناسبی با آن منطقه ندارند، نشان‌دهنده ضعف در نقشه راه توسعه اقتصادی و صنعتی کشور است.»

وی با بیان اینکه ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های اقتصادی، یکی از مهم‌ترین فاکتورهایی است که باید در راه‌اندازی یک بنگاه اقتصادی مدنظر قرار گیرد، می‌گوید: «اما این همه ماجرا نیست؛ چرا که مسائل فرهنگی، ترکیب نیروی

ویس‌شده

تحلیل آمارهای بیمه‌پردازی

ضرورت جهت دهی فعالیت‌های اقتصادی بر مبنای ظرفیت‌های منطقه‌ای

توسعه متوازن، نقشه راه می‌خواهد



عوامل ساختاری و گاهی دلایل سیاسی و ... باعث ایجاد نوعی توسعه نامتوازن در کشور شده و این مسئله باید اصلاح شود. / عکس: هوشنگ هادی

کار و مهارت‌های نیروی کار، باید مورد توجه باشد. مثلاً در مناطقی به صورت فرهنگی، بانوان از نظر اقتصادی بیشتر از سایر نقاط فعالیت دارند. باید برنامه‌ریزی‌های اقتصادی در آن مناطق، به سمت ایجاد کسب‌وکارهایی برود که بانوان، علاقه بیشتری برای حضور در آن دارند.» این نماینده مجلس در مورد توزیع بنگاه‌های اقتصادی می‌گوید: «عوامل ساختاری و گاهی دلایل سیاسی و ... باعث ایجاد نوعی توسعه نامتوازن در کشور شده و این مسئله باید اصلاح شود.»

■ **توجه به عوامل مؤثر بر افزایش بهره‌وری** کارشناسان اقتصادی بر این باورند که یکی از مهم‌ترین فاکتورهایی که در این حوزه باید مورد توجه قرار گیرد، میزان بهره‌وری و صرفه اقتصادی است. مثلاً حوزه حمل‌ونقل، هزینه‌بر است و هرچه فاصله از مرکز بیشتر باشد، هزینه‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند. از این منظر، عرضه‌کنندگان با توجه به تابع تولید و هزینه‌های حمل‌ونقل، می‌توانند محاسبه کنند که هزینه‌شان چقدر خواهد بود، اما از آن سو، برخی نظریات اقتصادی فرض وجود یک مرکز را نمی‌پذیرند و معتقدند تقاضای اقتصاد

میان مناطق مختلف، پراکنده شده و تولیدکنندگان، به دنبال یک قطعه بهینه برای استقرار هستند. از این منظر، دو تولیدکننده که یک کالای همگن تولید می‌کنند، حتماً تلاش می‌کنند تا به یک مرکز واحد نزدیک شوند. به عنوان مثال، استان کردستان را در نظر داشته باشید؛ درحالی‌که ۳۵ درصد از اشتغال ایجادشده در این استان، در بخش کشاورزی است و در حوزه دامداری هم ظرفیت‌های فراوانی دارد، اما در حوزه زنجیره تولید و احداث صنایع تکمیلی در این بخش، اقدام مناسبی انجام نشده و از آن سو مشاهده می‌کنیم که برای توسعه صنعت این منطقه، طرح‌هایی در دست بررسی است که ربط چندانی به کشاورزی و دامپروری ندارد. این نمونه را می‌توانیم به بخش بزرگی از مناطق کشور تعمیم بدهیم و



کتی‌نو | ۰۵



نقش جهش‌های کوچک در اقتصاد ملی

برای دستیابی به توسعه متوازن، عبور از برخی مشکلات و فائق آمدن بر برخی نابه‌سامانی‌ها در بحث شکل‌گیری بنگاه‌های اقتصادی نامتجانس در مناطق مختلف کشور، یکی از راهکارهای مهم پیشنهادی، سرمایه‌گذاری براساس طرح آمایش سرزمینی است. ساختار تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، درحال حاضر به‌گونه‌ای است که سرمایه‌ها را به سوی مناطق و استان‌های خاص هدایت می‌کند. این در حالی است که سرمایه‌گذاری، باید بر اساس طرح‌های آمایش سرزمینی و توسعه متوازن باشد.

به لحاظ تئوریک سعی می‌شود که توسعه متوازن در کل مناطق کشور صورت بگیرد و نگاه مبتنی بر تبعیض در تصمیم‌گیری‌ها وجود نداشته باشد. اما در عمل، براساس داده‌ها متوجه می‌شویم که اتفاق دیگری رخ داده و علت آن، این است که در کشورمان، میان تئوری و عمل، فاصله زیاد است. به عنوان مثال، وقتی که دولت، بودجه را به مجلس ارائه می‌دهد، از همان ابتداسفرشات در مجلس شروع شده و هر نماینده‌ای که لابی بیشتری دارد، بودجه را به سمت مناطق حوزه خود هدایت می‌کند. این وضعیت باعث می‌شود که در کشور، توسعه نامتوازن اتفاق افتاده و بخشی از مناطق کشور، دچار مضضاتی چون بیکاری، فقر و تبعات اجتماعی آن شوند. در کاهش این مسئله، نقش رسانه‌ها و مدیران بالادستی، زیاد است و آنها باید به‌گونه‌ای بر تنظیم و تخصیص و اجرای بودجه نظارت کنند که عدم توازن در توسعه کشور صورت نگیرد. برخی فکر می‌کنند توازن یعنی اینکه به مناطق محروم پول ببریم؛ درحالی‌که به دلیل عدم وجود مدیران ملی و متخصص در این فضاها، هزینه‌ها در بوروکراسی استانی به هدر می‌رود یا به علت تجمع نهادهای سیاسی –اقتصادی و فرهنگی، دوباره به پایتخت برمی‌گردد. در مورد سرمایه‌گذاری و شکل‌گیری بنگاه‌های اقتصادی هم با چنین معضلی روبه‌رو هستیم. کشور، درحال حاضر نیازمند اشتغال فوری است و پاسخ به این نیاز، باید در اولویت برنامه‌ها قرار بگیرد. رشد اقتصادی در بنگاه‌های بزرگ صنعتی، در امواج بعدی خود را نشان می‌دهد. اما با توجه به ظرفیت‌های خالی بنگاه‌های کوچک و متوسط، هدایت منابع مالی به سمت این بخش، می‌تواند تأثیر مناسبی در افزایش تولید اشتغال داشته باشد. هر چند هنوز برخی موانع برای تحرک بخشی به بنگاه‌های کوچک و متوسط وجود دارد که البته مربوط به بخش‌های اجرایی هم نیست و رفع آنها نیاز به همکاری سایر نهادها دارد؛ اما توجه ویژه به توسعه این بخش برای ایجاد اشتغال و در اولویت قرارگرفتن این بخش از اقتصاد برای اشتغال‌زایی، نشان‌دهنده دیدگاه درست برنامه‌ریزان اقتصادی در این مسیر است. مدیران استانی و محلی قوی هم‌یکی از فاکتورهای مهم برای پیشبرد اهداف این طرح‌ها هستند که خوشبختانه به‌نظر می‌رسد این مهم، در دولت، مورد توجه قرار گرفته است. به هر حال، علاوه بر ارائه تسهیلات و حمایت مالی، اقدامات تکمیلی هم برای تحقق اهداف این طرح‌ها نیاز است. مسیر درست، انتخاب شده و امیدواریم در اجرا هم شاهد تحقق اهداف تعیین‌شده و کام‌بردداشتن کشورمان در مسیر توسعه پایدار و متوازن باشیم. در این حوزه باید به میزان کارآمدی بنگاه‌های موجود در هر استان و میزان تناسب آنها با ظرفیت‌های این مناطق توجه شود و در جهت بهبود کارایی آنها تلاش شود. بنگاه‌های کوچک و خانوادگی، در بسیاری از استان‌ها وجود دارد که با یک سرمایه‌گذاری و جهت‌دهی فکری و در پاره‌ای مواقع، جمعیت آنها و برندسازی برای محصولات‌شان، می‌توانند جهش‌های اقتصادی در آن مناطق به وجود آورند؛ شاید در بعد ملی، این جهش‌ها چندان قابل توجه نباشند، اما برای آن منطقه خاص، حائز اهمیت است و برآیند این جهش‌های کوچک، می‌تواند در اقتصاد ملی هم خود را نشان دهد.

کارشناس ارشد اقتصادی

می‌توان گفت تجمع فعالیت‌های صنعتی استان‌هایی که از توسعه کافی برخوردار نبوده و از زیرساخت‌های مناسب به‌خصوص حمل‌ونقل – محروم هستند، می‌تواند به رشد آنها کمک کند. البته این اثرگذاری، مشروط است؛ به این معنا که تجمع، رشد اقتصادی را در مراحل اولیه توسعه افزایش می‌دهد و پس از دست‌یابی به یک سطح درآمد واقعی، اثر آن بر رشد اقتصادی اندک خواهد بود و چه بسا ممکن است اثرات زبان‌باری به همراه داشته باشد.

■ اقتصاد ملی یا منطقه‌ای؟

بسیاری از اقتصاددانان براین باورند که تجمع فعالیت‌های اقتصادی، مؤثر رشد و توسعه اقتصادی است و از این منظر، به افزایش بهره‌وری بنگاه‌های انفرادی از طریق انتشار اطلاعات بازاری یا فنی اشاره دارند. برخی اقتصاددانان در همسویی با گروه اول، به افزایش سود ناشی از کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل به دلیل نزدیکی به بازارهای مصرف و نهادهای تولید تمرکز دارند. تجمع فعالیت‌های اقتصادی در یک منطقه، صرفه خارجی و اثرات سرریز و درنهایت، افزایش بهره‌وری و نوآوری را برای تمامی بنگاه‌ها به همراه دارد. به دلیل اهمیت مجاورت در پدیده تجمع، تمرکز بنگاه‌ها در اقتصاد باید به صورت منطقه‌ای باشد. به عبارت دیگر، برخی به مفهوم «اقتصاد ملی» نگاه تردیدآمیز دارند و به جای آن، اقتصاد منطقه‌ای را مطرح می‌کنند که هر کدام متناسب با الگوی خاصی و بر اساس مزیت نسبی موجود در آن منطقه به فعالیت مشغول هستند. از این رهگذر، چنین تصور می‌شود که تخصص‌گرایی منطقه‌ای، رشد بهره‌وری کل اقتصاد را به ارمغان خواهد آورد. در حقیقت، اتخاذ سیاست‌های منطقه‌محور به معنای سرمایه‌گذاری عظیم با افزایش بودجه نیست، بلکه هدایت بودجه‌های عمرانی برای افزایش اثربخشی سیاست‌های دولتی است. سیاست‌های منطقه‌محور می‌تواند ضمن کنترل مواردی مانند شکست بازار و شکل‌گیری انحصار، رقابت را افزایش دهد و همگرایی برنامه‌های توسعه را تقویت کند. براساس یک تحقیق علمی در این زمینه، برای اتخاذ این نوع سیاست‌ها چند معیار باید در نظر گرفته شود. اول، تمرکز بنگاه‌ها و خوشه‌های صنعتی در یک منطقه اقتصادی مناسب، به حدی باشد که بتوان سیاستی برای آن در نظر گرفت؛ دوم، در انتخاب مناطق، باید ویژگی‌های خاص منطقه مانند جغرافیای فیزیکی در نظر گرفته شود؛ سوم، تمامی فعالان و نهادهای مرتبط با خوشه‌های صنعتی باید در فعالیت بنگاه‌های منطقه مشارکت کنند که از آن جمله می‌توان به بنگاه‌های خدماتی، توزیع‌کنندگان، دانشگاه‌ها، نهادهای سیاست‌گذاری و مشابه این‌ها اشاره کرد. از آنجا که هر منطقه نیازهای متفاوتی دارد، بنابراین به برنامه‌های مستقلی نیز نیاز دارد. به‌کارگیری سیاست‌های منطقه‌ای، اثرات سرریز بیشتری را برای بنگاه‌ها به همراه دارد؛ برای نمونه، اگر سیستم کارآموزی نیروی کار، متناسب با فعالیت‌های منطقه باشد، نیروی کار به‌گونه‌ای آموزش خواهد دید که به‌راحتی جذب مشاغل موجود در منطقه شوند. این رویکرد در واقع یک صرفه خارجی برای بنگاه‌های فعال است.

حرکت بر خلاف نقشه راه!

گزارش منتشرشده سالانه آماری بنگاه‌ها، همین موضوع را به نوعی نشان می‌دهد.

بنابراین باید در نظر داشته باشیم که شناسایی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی در استان‌های کشور، می‌تواند به برنامه‌ریزان اقتصادی و منطقه در تنظیم برنامه‌های صحیح توسعه اقتصادی کمک کند، تا در این مسیر، عدم تعادل‌ها را از بین ببرند. ما اگر خواهان استفاده از همه‌توان و ظرفیت‌های بالقوه کشورمان برای توسعه کشور هستیم، باید نسبت به شناسایی ظرفیت‌ها و استعدادهای منطقه‌ای، اهتمامی جدی داشته باشیم. در غیر این صورت، نمی‌توانیم به نتیجه مطلوب



یکی از پارامترهایی که می‌تواند به بهبود رشد اقتصادی در استان‌های مختلف کمک کند، شناسایی متغیرهای جغرافیایی – اقتصادی در این مناطق است. این یکی از موارد مغفول مانده در برنامه‌ریزی برای توسعه صنعتی و اقتصادی کشور است. البته ناگفته نماند که در تئوری و روی کاغذ، این مسائل مورد توجه قرار گرفته، اما پراکندگی جغرافیایی بنگاه‌های اقتصادی و خدماتی در استان‌های